

بیا بخند

پروفسور سُخْلی
و دستیارش خُلْ خُلْی



داستان‌هایی فلسفی
درباره‌ی هنر

بویا
Hoopa

داستان‌های فلسفی
درباره‌ی هنر

۳

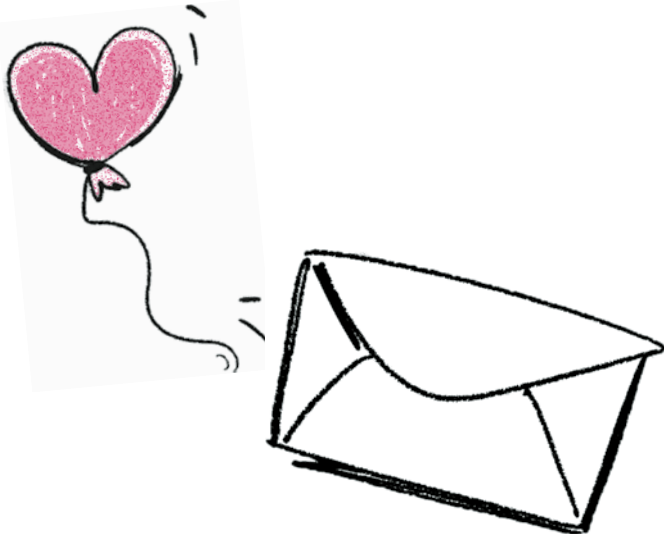


حدیث لزر غلامی
حسین شیخ‌الاسلامی
تصویرگر: حسین صافی



فهرست کتابها

- داستان اول: ارث عموی پروفیسور شخلی ۶
- داستان دوم: عکسی از هالووین عمه‌ی خارجی ۳۵
- داستان سوم: آفتابگردان‌های پروفیسور و دستیارش ۶۳
- داستان چهارم: غم‌نامه‌ی آکادمی فلسفه ۹۱
- داستان پنجم: چه‌کسی قاضی نهایی است؟ ۱۱۷
- داستان ششم: این یک آکادمی فلسفه نیست ۱۴۵



پروفیسور شخلی و دستیارش خل خلی



داستان‌های فلسفی درباره‌ی هنر

نویسندگان: حدیث لزرغلامی و حسین شیخ‌الاسلامی
 تصویرگر: حسین صافی
 مدیر هنری: علی بخشی
 طراح گرافیک متن: سندس حمیدیان
 چاپ اول: ۱۴۰۰
 تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه
 قیمت: ۴۹۰۰۰ تومان
 شابک دوره: ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۴-۲۱۵-۸
 شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۴-۲۲۱-۹

سرشناسه: لزرغلامی، حدیث، ۱۳۶۰ -
 عنوان و نام پدیدآور: داستان‌هایی فلسفی درباره‌ی هنر / نویسندگان
 حدیث لزرغلامی و حسین شیخ‌الاسلامی؛ تصویرگر حسین صافی.
 مشخصات نشر: تهران: نشر هوپا، ۱۳۹۸.
 مشخصات ظاهری: ۱۷۶ ص: مصور.
 فروست: پروفیسور شخلی و دستیارش خل خلی؛ ۳.
 شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۴-۲۱۵-۸ - دوره: ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۴-۲۲۱-۹
 وضعیت فهرست نویسی: فیبا
 یادداشت: گروه سنی: ج.
 موضوع: داستان‌های فارسی
 موضوع: Persian fiction
 موضوع: داستان‌های تخیلی
 موضوع: Fantastic Fiction
 شناسه افزوده: شیخ‌الاسلامی، حسین، ۱۳۶۱ -
 شناسه افزوده: صافی پیرلوجه، حسین، ۱۳۵۵ - تصویرگر
 رده بندی دیویی: ۸۴۳
 شماره کتابشناسی ملی: ۵۹۶۲۳۲۰



آدرس: تهران، میدان فاطمی، خیابان بیستون، کوچه‌ی دوم الف، پلاک ۳/۱، واحد دوم غربی.
 صندوق پستی: ۱۴۳۱۶۵۳۷۶۵ تلفن: ۸۸۹۹۸۶۳۰
 ۴ همه‌ی حقوق چاپ و نشر انحصاراً برای نشر هوپا محفوظ است.
 ۴ استفاده از متن این کتاب، فقط برای نقد و معرفی و در قالب بخش‌هایی از آن مجاز است.

www.hoopa.ir
 info@hoopa.ir

تابلو



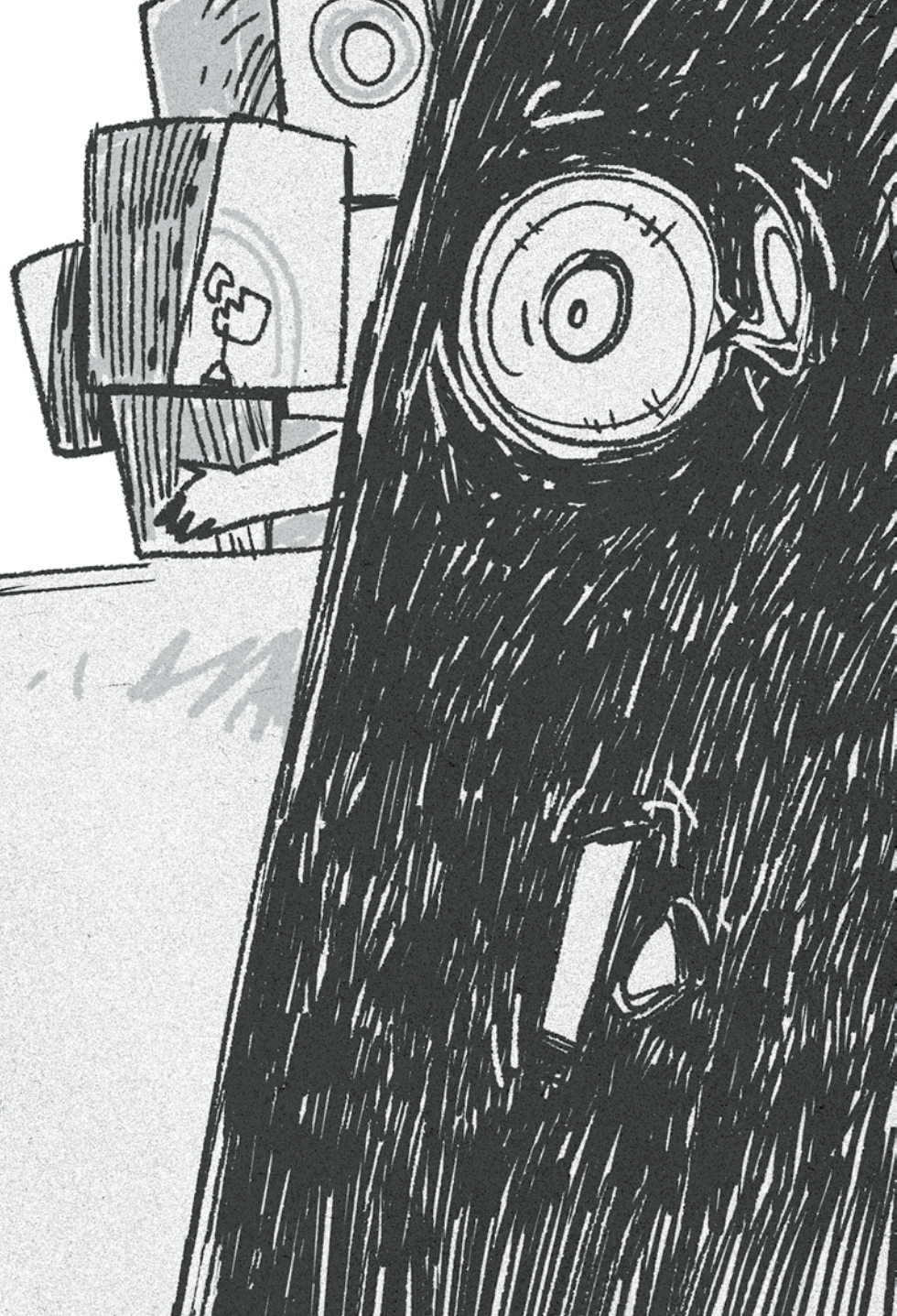
تابلو

تابلو

داستان اول:
ارت عمومی
پروفیسور شنگی



آن روز، آکادمی فلسفه‌ی پروفیسور ششلی و دستیارش، شل شلی،
حسابی شلوغ‌پلوغ بود، چون پروفیسور تصمیم گرفته بود دکور آکادمی
را عوض کند.
- شل شلییییییی، من هر جور چیزی رو که جابه‌جا می‌کنم تو به
فنجون نسکافه بده دستم.
- چشم پروفیسور، ولی ما که دو جور چیز بیشتر نداریم اینجا: یه میز
و یه تابلو.



- تو فعلاً دو تا فنجون نسکافه برسون تا بفهمی چقدر دیگه باید
نسکافه بدی.

شل شلی دوید نسکافه درست کند، که زنگ آکادمی به صدا
درآمد و کارگرا سفارش‌های پروفیسور را آوردند تو.
- اوووووو پروفیسور. شما قهرمانید. مگه ما پولدار شده‌ایم،
پروفیسور؟

- او مممم. نه شل شلی، کامپلینتی عموم مُرده.



- اوه، پروفیسور، واقعاً بہتون **تسلیمت** می‌گم. خیلی عموی خوبی بود.

- مگہ تو عموی من رو می‌شناختی **فل‌فل**؟
فل‌فل فنجان نسکافہ را از لای دست و پای کارگرا داد به پروفیسور.
- نه پروفیسور، ولی خُب حتماً عموی خوبی بوده کہ این ہمہ خرت و پرت براتون گذاشته. اوہ! ولی اجازه دارم یہ چیزی بگم پروفیسور؟





- حواست باشه چی می‌خوای بگی.

- چشم پروفیسور، ولی بذارید حقیقت رو بگم: چقدر سلیقه شون بد

بوده. آخه این چه تابلوئیه پروفیسور؟

- این چه تابلوئیه **شلی**؟ این گرون‌ترین که نه، ولی **گامپلیتلی**

زیباترین تابلوی جهان و توی خونه‌ی عموی بزرگ‌ترین استاد فلسفه،

پروفیسور **شلی**، بوده.

- پروفیسور، من اگر یه بستنی آدامسی بخورم، از این بهتر نقاشی

می‌کشم.





هوپا، ناشر کتاب‌های خوردنی
دکتر هوپا، بخش علمی و فلسفی هوپا

